

تحلیل نقش دولت‌های حامی اسرائیل (ایالات متحده، بریتانیا) در قبال مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض‌های جنگ غزه

عسکر جلالیان

استاد، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
a.jalalian@pnu.ac.ir

زهره باقری خرم‌دشتی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
zohreh.bagheriiii@gmail.com

سمیه آقایی‌پور

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
somayeh.ghaie2980@gmail.com

چکیده

هدف: این مقاله با هدف تبیین ارکان تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی اسرائیل، به‌ویژه ایالات متحده و بریتانیا، در قبال نقض‌های مستمر حقوق بین‌الملل در جنگ غزه تدوین شد. با استناد به گزارش‌های نهادهای معتبر بین‌المللی مبنی بر نقض قواعد آمره، پرسش اصلی پژوهش بر چگونگی تکوین و ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای این دولت‌ها در نتیجه اقدامات حمایتی‌شان متمرکز بود. فرضیه مقاله بر این پایه استوار گشت که حمایت‌های نظامی، سیاسی و دیپلماتیک این کشورها، با وجود آگاهی از ماهیت اعمال متخلفانه، مصداق «کمک یا مساعدت» در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب شده و بر اساس ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) و کنوانسیون منع نسل‌زدایی (۱۹۴۸)، مسئولیت حقوقی آنان را محقق ساخت.

روش: پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و از طریق مطالعه اسناد اولیه و رویه قضایی بین‌المللی، مصادیق نقض تعهدات این دو دولت را در حوزه‌های همکاری تسلیحاتی و قصور در انجام تعهد به پیشگیری از جنایات بین‌المللی واکاوی نمود.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که استمرار انتقال تسلیحات و خودداری از به‌کارگیری اهرم‌های مؤثر برای توقف نقض‌ها، علاوه بر نقض تعهدات مستقل، با معیارهای مسئولیت ناشی از معاونت و نظریه «کنترل مشترک» نیز انطباق داشت. در نهایت، مقاله استدلال نمود که رویه فعلی ایالات متحده و بریتانیا موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی آنان شد. در راستای اعمال این مسئولیت، مکانیسم‌های اجرایی مشخصی همچون تعلیق مجوزهای صادرات تسلیحات بر مبنای معاهده تجارت تسلیحات (۲۰۱۴) و لزوم فعال‌سازی صلاحیت‌های قضایی بین‌المللی جهت بررسی مشارکت در فعل متخلفانه پیشنهاد گردید.

کلمات کلیدی: تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت، کمک یا مساعدت، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، معاهده تجارت تسلیحات، جنگ غزه.

Analyzing the Role of States Supporting Israel (the United States, the United Kingdom) Regarding International Responsibility Arising from Violations in the Gaza War

Abstract

Abstract

Objective: This article elucidates the pillars of establishing international responsibility for states supporting Israel, specifically the U.S. and the U.K., regarding ongoing violations of international law in the Gaza war. Citing reports on the breach of *jus cogens* norms, the research question examines how these states' support creates international legal responsibility. The hypothesis posits that their military, political, and diplomatic assistance—provided with knowledge of the wrongful nature of the acts—constitutes “aid or assistance” under Article 16 of the Articles on State Responsibility (2001) and the Genocide Convention (1948).

Method: Employing a descriptive-analytical approach, this study utilizes primary documents and international jurisprudence to analyze these states' breaches of obligations, particularly in arms cooperation and the failure to fulfill the duty to prevent international crimes.

Findings: The findings indicate that the continued transfer of weapons and the refusal to exert effective leverage to halt violations not only breach independent obligations but also satisfy the criteria for responsibility through complicity and “joint control” theories. The article concludes that the conduct of the U.S. and the U.K. establishes their international responsibility. Consequently, specific enforcement mechanisms are proposed, including the suspension of arms export licenses pursuant to the Arms Trade Treaty (2014) and the activation of international judicial jurisdictions to investigate participation in these wrongful acts. This analysis demonstrates that such support carries significant legal consequences, necessitating accountability to ensure compliance with international law and the protection of fundamental human rights.

Keywords: Establishment of International State Responsibility, Aid or Assistance, International Humanitarian Law (IHL), Arms Trade Treaty (ATT), Gaza War.

مقدمه

جنگ در غزه که از اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شده، منجر به یکی از فاجعه‌بارترین بحران‌های بشری در قرن حاضر گردیده است. بر اساس گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد،^۱ تا پایان سال ۲۰۲۴، آمار تلفات و مجروحان فلسطینی به سطوح بی‌سابقه‌ای رسیده است چنان‌که بیش از ۷۵۰۰۰ فلسطینی کشته و بیش از ۱۵۰۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند.^۲ علاوه بر این، قطع دسترسی به کمک‌های بشردوستانه منجر به قحطی گسترده‌ای شده که توسط گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حق بر غذا، به‌عنوان قحطی «ساخته‌ی دست بشر» توصیف گشته است.^۳ نهادهای بین‌المللی متعدد از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری در قرار دستور موقت خود در پرونده «آفریقای جنوبی علیه اسرائیل» (ژانویه ۲۰۲۴)،^۴ دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در درخواست برای صدور قرار بازداشت مقامات اسرائیلی^۵ و سازمان‌های مستقل حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل، شواهد قابل توجهی از نقض‌های گسترده حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر توسط اسرائیل را ثبت نموده‌اند. با این وجود، نقض‌های مستمر نه تنها متوقف نشده، بلکه در شرایطی ادامه یافته است که برخی دولت‌ها همچنان به ارائه حمایت‌های سیاسی و نظامی از اسرائیل ادامه داده‌اند؛ امری که در گزارش‌های نهادهای سازمان ملل متحد مورد انتقاد و هشدار قرار گرفته است.^۶ با توجه به این واقعیت، پرسش اساسی پژوهش حاضر بر تبیین شرایط و مبانی حقوقی تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی اسرائیل، به‌ویژه ایالات متحده و بریتانیا، در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی در جنگ غزه متمرکز است. پاسخ به این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که تبیین دقیق تعهدات دولت‌های ثالث در قبال نقض قواعد آمره، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ اعتبار نظم حقوقی بین‌المللی ایفا می‌کند. مطابق با تعهدات عام‌الشمول (Erga Omnes) و الزامات ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی، دولت‌ها مکلف‌اند از تسهیل نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه خودداری نموده و در جهت توقف این وضعیت‌ها موضعی فعال اتخاذ نمایند. با این حال، شواهد موجود نشان می‌دهد که برخی دولت‌ها، با وجود آگاهی از ماهیت اقدامات اسرائیل، به انتقال تسلیحات و حمایت‌های همه‌جانبه ادامه داده‌اند.^۷

فرضیه اصلی پژوهش این است که اقدامات و یا خودداری‌های ایالات متحده و بریتانیا، از جمله تأمین تسلیحات و حمایت سیاسی در نهادهای بین‌المللی، مصداق «کمک یا مساعدت» در ارتکاب فعل متخلفانه تلقی شده و موجب

¹ United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA)

² United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA). (2024). Humanitarian Impact Situation Report on Gaza.

³ UN Special Rapporteur on the Right to Food. (2024). Report on Man-Made Famine in Gaza.

⁴ International Court of Justice (ICJ). (2024). Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel): Order of 26 January 2024.

⁵ International Criminal Court (ICC). (2024). Statement of ICC Prosecutor Karim A.A. Khan KC: Applications for warrants of arrest in the situation in the State of Palestine.

⁶ United Nations Human Rights Council. (2024). Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Palestinian territories occupied since 1967.

⁷ Amnesty International. (2024). Israel and the Occupied Palestinian Territories: Annual human rights report. Amnesty International.

تحقق مسئولیت بین‌المللی آنان می‌گردد. این مسئولیت نه‌تنها بر مبنای ماده ۱۶ «طرح مسئولیت دولت‌ها» (۲۰۰۱) قابل احراز است، بلکه بر اساس تعهدات مندرج در معاهده تجارت تسلیحات (۲۰۱۴) و کنوانسیون منع نسل‌زدایی (۱۹۴۸) نیز مبنای حقوقی مستحکمی دارد.

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی است. داده‌ها از طریق منابع اولیه شامل منشور ملل متحد، معاهده تجارت تسلیحات، کنوانسیون نسل‌زدایی، طرح مسئولیت دولت‌ها و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین منابع ثانویه شامل گزارش‌های رسمی سازمان ملل و آثار دانشگاهی گردآوری شده‌اند. در نهایت، این پژوهش می‌کوشد تا با بررسی تطبیقی اقدامات ایالات متحده و بریتانیا، جایگاه و حدود مسئولیت آنان را روشن سازد. نوآوری مقاله در آن است که با تکیه بر تحلیل فنی مواد طرح مسئولیت دولت‌ها و ترکیب آن با الزامات معاهداتی، تصویری منسجم از مسئولیت حقوقی دولت‌های ثالث ارائه داده و از رویکردهای صرفاً سیاسی در تحلیل‌های حقوقی پرهیز نماید.

۱، چارچوب نظری مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها یکی از بنیادی‌ترین نهادهای حقوق بین‌الملل معاصر است که هدف آن تضمین رعایت تعهدات بین‌المللی و واکنش حقوقی منسجم به نقض‌های آن تعهدات است.^۸ برای ایجاد مسئولیت بین‌المللی، عمل متخلفانه باید به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود.^۹ طرح مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی که در سال ۲۰۰۱ به تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل رسید، مهم‌ترین سند عرفی در این زمینه محسوب می‌شود. این طرح که حاصل بیش از پنج دهه کار حقوقی و تفسیری است، قواعد کلی مربوط به تحقق، آثار و اجرای مسئولیت بین‌المللی را تبیین می‌کند و اگرچه معاهده‌ای الزام‌آور نیست، اما بخش عمده‌ای از مقررات آن بازتاب عرف بین‌المللی تلقی می‌شود.^{۱۰} مسئولیت بین‌المللی تکلیفی است که به موجب حقوق بین‌الملل به دولت تحمیل می‌شود تا خساراتی را که بر اثر نقض قواعد حقوق بین‌الملل ناشی از عمل یا خودداری اش در انجام دادن تکلیف به دولت دیگر وارد کرده را جبران نماید.^{۱۱}

^۸ Crawford, J. (2013). *State responsibility: The general part* (2nd ed.). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9781139154367>

^۹ ابراهیمی ارمی، ک.، نژندی‌منش، ه.، و محبی، م. (۱۴۰۴). *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی از طریق انتقال تسلیحات با توجه به معاهده تجارت اسلحه*. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۵(۱)، ۳۰۳-۳۲۸.

^{۱۰} International Law Commission. (2001). *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*.

^{۱۱} لامع، ا.، امینی‌نیا، ع.، و افشاری، م. (۱۴۰۳). *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کاربرد هوش مصنوعی در جنگ‌افزارها با تأکید بر نقض حقوق جنگ در غزه*. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۸(۴)، ۲۰۵-۲۲۴.

بر اساس ماده ۲ این طرح، دو عنصر اساسی برای تحقق مسئولیت دولت لازم است: نخست، انتساب رفتار متخلفانه به دولت و دوم، نقض یک تعهد بین‌المللی. در ماده ۱۶ نیز قاعده‌ای کلیدی درباره «کمک یا مساعدت یک دولت به دولت دیگر در ارتکاب عمل متخلفانه» بیان شده است. مطابق این ماده، هر دولتی که آگاهانه در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر کمک یا مساعدت کند، در صورتی که آن عمل نقض تعهدی بین‌المللی باشد که خود نیز به آن ملتزم است، مسئول خواهد بود.^{۱۲} بنابراین، حتی اگر دولت حامی مستقیماً مرتکب نقض نگردد، صرف مشارکت آگاهانه یا تسهیل‌کننده در ارتکاب عمل غیرقانونی، موجب مسئولیت بین‌المللی آن خواهد بود.

این قاعده به ویژه در زمینه‌های مرتبط با مخاصمات مسلحانه، جنایات بین‌المللی و نقض قواعد آمره اهمیت مضاعف دارد. قواعد آمره، طبق ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹، قواعدی هستند که هیچ استثنایی بر آن‌ها پذیرفته نیست و نقض آن‌ها مسئولیت جمعی جامعه بین‌المللی را برمی‌انگیزد. از جمله این قواعد می‌توان به ممنوعیت نسل‌زدایی، جنایات جنگی، تجاوز و شکنجه اشاره کرد. تعهدات ناشی از این قواعد، به تعبیر دیوان بین‌المللی دادگستری، تعهدات ارگا امنس هستند؛ یعنی تعهداتی که در برابر کل جامعه بین‌المللی قرار دارند.^{۱۳} به موجب این نوع تعهدات، دولت‌ها نه تنها باید از ارتکاب چنین نقض‌هایی خودداری کنند، بلکه باید از هرگونه کمک، مساعدت یا شناسایی وضعیتی که بر پایه نقض قواعد آمره شکل گرفته است، امتناع ورزند.

در رأی معروف دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا ترکشن، برای نخستین بار مفهوم تعهدات ارگا امنس به رسمیت شناخته شد و بعدها در آراء دیگر مانند قضیه بوسنی و هرزگوین علیه صربستان ۲۰۰۷ نیز تأکید گردید که دولت‌ها تعهد دارند از هرگونه مشارکت در نقض تعهدات بنیادین جامعه بین‌المللی پرهیز کنند.^{۱۴} این مفهوم، مبنای نظری قوی برای تبیین مسئولیت دولت‌های ثالث در قبال نقض‌های فاحش از سوی سایر دولت‌ها فراهم می‌سازد.

در حوزه معاهدات نیز چند سند بین‌المللی مهم به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسئولیت دولت‌های یاری‌کننده اشاره کرده‌اند. نخست، معاهده تجارت تسلیحات^{۱۵} است که بر اساس ماده ۶ آن، هیچ دولتی نباید تسلیحات متعارف را در صورتی که آگاه است این تسلیحات ممکن است برای ارتکاب نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت یا جنایات جنگی استفاده شود، منتقل کند. این ماده به صراحت اصل «آگاهی» را معیار مسئولیت قرار داده است.^{۱۶} به بیان دیگر، اگر دولت صادرکننده تسلیحات بداند یا به طور معقولی باید بداند که سلاح‌ها برای ارتکاب نقض‌های فاحش مورد استفاده قرار خواهند گرفت، انتقال آن ممنوع و مسئولیت دولت صادرکننده محقق خواهد بود.

¹² Ibid., Article 16

¹³ Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v Spain) [1970].

¹⁴ Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v Serbia and Montenegro) [2007].

¹⁵ Arms Trade Treaty – ATT, 2014

¹⁶ Arms Trade Treaty. (2014). Article 6(3)

دوم، کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌زدایی (۱۹۴۸) است که در ماده ۱ خود مقرر می‌دارد دولت‌ها متعهد به جلوگیری و مجازات نسل‌زدایی هستند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی سال ۲۰۰۷ خود در قضیه بوسنی علیه صربستان، اعلام کرد که مسئولیت دولت نه تنها زمانی که خود مرتکب نسل‌زدایی می‌شود، بلکه حتی زمانی که در جلوگیری از آن کوتاهی می‌کند یا از اقدامات دولت دیگر در این زمینه حمایت می‌نماید نیز محقق می‌گردد.^{۱۷} بدین ترتیب، «تعهد به جلوگیری» جنبه‌ای مستقل از تعهد به عدم ارتکاب دارد و قلمرو مسئولیت دولت‌ها را فراتر از مرزهای سرزمینی خود گسترش می‌دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی علیه صربستان (۲۰۰۷) تصریح کرد که این تعهد، تعهدی «به وسیله تمام ابزارهای معقولی که در دسترس دارند» است.^{۱۸}

سوم، می‌توان به منشور ملل متحد و تعهدات ناشی از آن اشاره کرد. بر اساس ماده ۲ بند ۴ منشور، تمامی دولت‌ها باید از تهدید یا توسل به زور در روابط بین‌المللی خودداری کنند. همچنین، طبق مواد ۱ و ۵۵ منشور، دولت‌ها موظف به همکاری برای احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هستند. هرگونه اقدامی که موجب تداوم وضعیت غیرقانونی ناشی از تجاوز یا اشغال گردد، نقض این تعهدات تلقی می‌شود و می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت حامی را به همراه داشته باشد.^{۱۹}

از دیدگاه نظری، نظام مسئولیت بین‌المللی مبتنی بر دو دسته تعهدات است: تعهدات فردی که نقض آن تنها میان دولت متضرر و دولت مرتکب مطرح می‌شود، و تعهدات جمعی یا ارگا امنس که نقض آن واکنش کل جامعه بین‌المللی را ایجاد می‌کند.^{۲۰} در موارد نقض قواعد آمره، حتی دولت‌هایی که مستقیماً متضرر نشده‌اند نیز ذی‌حق هستند تا اقدامات متقابل جمعی را برای اجرای قواعد بنیادین انجام دهند. این اصل، در مواد ۴۰ و ۴۱ طرح مسئولیت دولت‌ها به روشنی انعکاس یافته است.^{۲۱} ماده ۴۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مربوط به وضعیتی است که نقض جدی یک قاعده آمره اتفاق افتاده و دولت‌های ثالث می‌بایست از شناسایی این وضعیت یا هرگونه کمک یا مساعدت به حفظ آن وضعیت خودداری نمایند.^{۲۲}

بر این اساس، حمایت‌های سیاسی و نظامی برخی دولت‌ها از اسرائیل در شرایطی که نقض‌های گسترده حقوق بین‌الملل بشردوستانه در غزه در جریان است، می‌تواند در چارچوب مواد ۱۶ و ۴۱ طرح مسئولیت دولت‌ها مورد

¹⁷ ICJ. (2007). Case Concerning the Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro)

¹⁸ ICJ. (2007). Bosnia v. Serbia, Paragraph 430

¹⁹ UN Charter (1945), Articles 2(4), 1 and 55.

²⁰ International Law Commission (2001), Draft Articles on State Responsibility, Commentary to Article 48.

²¹ ILC Draft Articles, Article 41

²² فتاحی الکوهی، محمد؛ رئیسی، لیلا؛ راعی، مسعود (۱۳۹۹). «مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از تجارت تسلیحات با گروه‌های شورشی و شبه نظامی»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره چهارم، صص ۲۸۳۰-۲۸۳۷.

تحلیل قرار گیرد. انتقال تسلیحات و ارائه پوشش سیاسی در نهادهای بین‌المللی، در صورتی که آگاهانه صورت گیرد، به منزله مشارکت در عمل متخلفانه و در نتیجه ایجاد مسئولیت بین‌المللی خواهد بود.^{۲۳}

در مجموع، چارچوب نظری مسئولیت دولت‌های ثالث در قبال اعمال متخلفانه دولت دیگر، بر سه ستون اصلی استوار است: نخست، وجود یک عمل متخلفانه بین‌المللی اولیه؛ دوم، آگاهی و مشارکت آگاهانه دولت ثالث در آن عمل؛ و سوم، نقض تعهدات عام‌الشمول نسبت به جامعه بین‌المللی. تحقق این سه عنصر، مبنای حقوقی لازم برای انتساب مسئولیت به دولت‌های حامی در جنگ غزه را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، تحلیل نقش ایالات متحده و بریتانیا در حمایت نظامی و سیاسی از اسرائیل باید در پرتو این چارچوب نظری و با توجه به مصادیق مشخص بررسی شود تا روشن گردد که آیا اقدامات آنان واجد وصف «کمک آگاهانه به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی» است یا خیر.

۲، تحلیل مصادیق نقض تعهدات بین‌المللی توسط ایالات متحده و بریتانیا

۱-۲، همکاری نظامی و تسلیحاتی

دولت‌ها نباید مجوز صادرات تسلیحات را صادر کنند در حالی که «خطر واضح» وجود دارد که این تسلیحات برای ارتکاب یا تسهیل نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به کار گرفته خواهند شد.

ایالات متحده: ایالات متحده بزرگترین تأمین‌کننده تسلیحات نظامی اسرائیل است. بر اساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل (۲۰۲۴)، انتقال تسلیحات به طرف‌های درگیری که مرتکب نقض‌های سیستماتیک حقوق بشر می‌شوند، نقض تعهدات بین‌المللی است.^{۲۴} کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در گزارش خود تأکید کرد که کشورهای تأمین‌کننده تسلیحات در صورت علم به نقض‌های حقوق بشری، مسئولیت بین‌المللی دارند.^{۲۵}

بریتانیا: اگرچه بریتانیا به طور مستقیم تسلیحات گسترده‌ای به اسرائیل صادر نمی‌کند، اما نقش حیاتی در تأمین قطعات جنگنده‌های F-35 ایفا می‌کند. گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که ادامه این همکاری‌ها با وجود شواهد متقن از نقض حقوق بین‌الملل، نقض تعهدات بریتانیا تحت معاهده تجارت تسلیحات محسوب می‌شود.^{۲۶}

یکی از مهم‌ترین مصادیق مشارکت غیرمستقیم ایالات متحده و بریتانیا در نقض‌های بین‌المللی، ادامه صادرات و ارسال تسلیحات به اسرائیل در طول جنگ غزه است. بر اساس گزارش مؤسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم، حدود ۶۸ درصد از واردات تسلیحاتی اسرائیل در سال ۲۰۲۳ از ایالات متحده و حدود ۱۲ درصد از بریتانیا

²³ ILC Draft Articles, Articles 16 and 41.

²⁴ Amnesty International. (2024). Arms Transfers and International Responsibility Report.

²⁵ UN High Commissioner for Human Rights. (2024). Report on Arms Exports to Conflict Zones.

²⁶ Human Rights Watch. (2024). UK Complicity in International Law Violations.

تأمین شده است.^{۲۷} این در حالی است که گزارش‌های رسمی سازمان ملل و نهادهای غیردولتی از جمله عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، بارها به استفاده گسترده اسرائیل از تسلیحات سنگین در مناطق غیرنظامی و بمباران بیمارستان‌ها، پناهگاه‌ها و مراکز آموزشی اشاره کرده‌اند.^{۲۸}

بر اساس بند ۲ ماده ۷ معاهده تجارت تسلیحات، در صورتی که بعد از ارزیابی احتمال استفاده از تسلیحات برای نقض شدید حقوق بشر وجود داشته باشد، دولت صادرکننده موظف است مانع صادرات تسلیحات شود.^{۲۹} از آنجا که هر دو دولت مورد بحث عضو این معاهده‌اند، استمرار صدور تسلیحات در شرایطی که شواهد گسترده‌ای از نقض‌های فاحش وجود دارد، نقض تعهدات قراردادی آنان تلقی می‌شود. گزارش سال ۲۰۲۴ شورای حقوق بشر نیز تأکید کرده است که ادامه ارسال تسلیحات به اسرائیل در شرایط آگاهی از نقض‌های فاحش می‌تواند مصداق مشارکت آگاهانه در اعمال متخلفانه باشد.^{۳۰}

علاوه بر این، ایالات متحده با استفاده از سازوکارهای مالی ویژه مانند «برنامه تأمین مالی نظامی خارجی (FMF)» میلیاردها دلار تجهیزات نظامی به اسرائیل منتقل کرده است. بسیاری از این تسلیحات، از جمله بمب‌های نفوذی و مهمات خوشه‌ای، در حملات به مناطق پرجمعیت شهری به کار رفته‌اند.^{۳۱} در حالی که دولت آمریکا از تعهد به بررسی پیامدهای بشردوستانه انتقال تسلیحات سخن گفته است، شواهد حاکی از آن است که هیچ ارزیابی مستقلی در این زمینه انجام نشده و تصمیمات سیاسی بر ملاحظات حقوقی غلبه یافته است.^{۳۲}

۲-۲، حمایت سیاسی و دیپلماتیک

جنبه دیگر حمایت دولت‌های مذکور، استفاده مکرر از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک برای جلوگیری از واکنش مؤثر جامعه بین‌المللی نسبت به اقدامات اسرائیل است. از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، ایالات متحده بیش از پنج بار از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل برای جلوگیری از تصویب قطعنامه‌های آتش‌بس استفاده کرده است.^{۳۳} این وتوها در شرایطی اعمال شده‌اند که اکثریت قاطع اعضای شورا خواستار توقف فوری حملات و دسترسی بشردوستانه بوده‌اند. بریتانیا نیز با اتخاذ مواضع دوپهلوی، عملاً از مواضع آمریکا حمایت کرده و از تصویب قطعنامه‌های الزام‌آور ممانعت به عمل آورده است.^{۳۴}

²⁷ SIPRI (2024), Yearbook 2024.

²⁸ Amnesty International (2024), Op. cit.

^{۲۹} فتاحی الکوهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶

³⁰ UN Human Rights Council (2024), Report on Gaza Conflict

³¹ Human Rights Watch (2024), Op. cit.

³² Ibid.

³³ UN Security Council. (2023-2024). Voting Records on Gaza Resolutions.

³⁴ UK Parliament Research Briefing. (2024). UK Policy on Israel-Palestine.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، به دلیل دارا بودن قوه قهرآمیز... می‌تواند نقش بسزایی در اجرای آرای صادره از دادگاه بین‌المللی مستقل ایفا کند.^{۳۵}

این رفتارها از منظر حقوق بین‌الملل نه صرفاً کنش سیاسی، بلکه نوعی مشارکت در تداوم وضعیت غیرقانونی محسوب می‌شود. ماده ۴۱ طرح مسئولیت دولت‌ها تصریح می‌کند که دولت‌ها باید از شناسایی وضعیت ناشی از نقض جدی قواعد آمره خودداری کرده و هیچ‌گونه کمک یا مساعدت برای تداوم آن ارائه نکنند.^{۳۶} وتوهای مکرر و حمایت‌های دیپلماتیک از اسرائیل در شرایطی که شواهد گسترده‌ای از جنایات جنگی وجود دارد، عملاً به معنای نادیده‌گرفتن این تعهد عرفی است. افزون بر آن، مواضع رسمی برخی مقامات آمریکایی مبنی بر «حق اسرائیل برای دفاع از خود» بدون اشاره به محدودیت‌های ناشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه، موجب مشروعیت‌بخشی به اقدامات غیرقانونی و تضعیف تعهدات آمره شده است.

۳-۲، قصور در اجرای تعهد به جلوگیری از جنایات بین‌المللی

کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌زدایی (۱۹۴۸) در ماده ۱ خود تعهدی مستقل برای دولت‌ها مقرر می‌دارد تا از وقوع نسل‌زدایی جلوگیری کنند. در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی علیه صربستان نیز تصریح شد که این تعهد حتی در مورد دولت‌هایی که مستقیماً در قلمرو مربوطه مداخله ندارند، جاری است.^{۳۷} از این منظر، دولت‌هایی که از نفوذ سیاسی یا نظامی کافی برای متوقف ساختن یا محدود کردن اقدامات ناقض برخوردارند، اما عمداً از استفاده از آن توانایی خودداری می‌کنند، می‌توانند ناقض تعهد به جلوگیری محسوب شوند.

با توجه به نقش تعیین‌کننده ایالات متحده و بریتانیا در تأمین تسلیحات، حمایت سیاسی و نفوذ گسترده در ساختارهای بین‌المللی، سکوت یا انفعال آنان در قبال حملات گسترده به غیرنظامیان غزه را می‌توان نقض تعهد به جلوگیری از نسل‌زدایی و جنایات جنگی دانست. گزارش کمیسیون مستقل تحقیق سازمان ملل نیز با اشاره به شواهد قوی از «الگوی سیستماتیک حملات علیه غیرنظامیان» اعلام کرده است که دولت‌های دارای نفوذ مؤثر، اگر از ابزارهای خود برای جلوگیری از ادامه این وضعیت استفاده نکنند، مسئولیت حقوقی خواهند داشت.^{۳۸}

همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود درباره «سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی» تأکید کرد که تعهدات نقض شده توسط اسرائیل شامل «تعهدات ارگا امنس» از جمله حق تعیین

^{۳۵} نجفی اسفاد، م. م. و جلالیان، ع. (۱۳۹۱). ضرورت تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه. فصلنامه راهبرد، ۲۱(۶۲)، ۲۰۵-۲۲۱. (ص ۶).

^{۳۶} ILC Draft Articles (2001), Article 41.

^{۳۷} ICJ, *Bosnia v. Serbia* (2007), para. 430.

^{۳۸} UN Independent International Commission of Inquiry (2024), Report on Gaza.

سرنوشت است.^{۳۹} با ادامه همکاری نظامی و اقتصادی گسترده با اسرائیل، ایالات متحده و بریتانیا مستقیماً تعهد به عدم کمک به حفظ وضعیت غیرقانونی را نقض می‌کنند.

۴-۲، نقش رسانه‌ای و مشروعیت بخشی به وضعیت غیرقانونی

بعد دیگر مشارکت غیرمستقیم، مشروعیت بخشی سیاسی و رسانه‌ای به اقدامات اسرائیل است. در طول مخاصمه، دولت‌های آمریکا و بریتانیا با تکیه بر گفتمان «حق دفاع از خود» به گونه‌ای عمل کرده‌اند که عملاً مرز میان دفاع مشروع و تجاوز از آن را مخدوش کرده‌اند. در حالی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه به صراحت تأکید می‌کند دفاع مشروع نمی‌تواند توجیه‌گر نقض اصول تمایز و تناسب باشد، تکرار این گفتمان در سطح بین‌المللی سبب تضعیف اجرای قواعد الزام‌آور و فراهم‌سازی فضای سیاسی برای استمرار عملیات نظامی شده است.^{۴۰}

علاوه بر این، برخی اقدامات مشترک مانند رزمایش‌های نظامی مشترک، تبادل اطلاعات امنیتی و تداوم فروش فناوری‌های نظارتی نیز می‌تواند مصداق کمک غیرمستقیم تلقی شود، زیرا این همکاری‌ها در شرایطی صورت گرفته که دولت‌های مذکور به خوبی از ماهیت و پیامدهای اقدامات اسرائیل آگاه بوده‌اند.^{۴۱}

با توجه به مجموعه شواهد موجود، می‌توان گفت که رفتار ایالات متحده و بریتانیا از سه جهت نقض تعهدات بین‌المللی محسوب می‌شود: نخست، نقض مستقیم تعهدات ناشی از معاهده تجارت تسلیحات؛ دوم، نقض تعهد به جلوگیری از جنایات بین‌المللی بر اساس کنوانسیون نسل‌زدایی؛ و سوم، نقض تعهدات عرفی ناشی از قواعد آمره و مواد ۱۶ و ۴۱ طرح مسئولیت دولت‌ها. استمرار ارسال تسلیحات در شرایط علم به احتمال ارتکاب جنایات، حمایت دیپلماتیک از اسرائیل برای جلوگیری از محکومیت‌های بین‌المللی، و خودداری از استفاده از ابزارهای فشار برای توقف مخاصمه، در مجموع نشانگر مشارکت آگاهانه در وضعیت غیرقانونی و در نتیجه تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی است.

بر این اساس، جنگ غزه نه تنها آزمونی برای نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بلکه معیاری برای سنجش میزان التزام دولت‌های قدرتمند به اصول بنیادین مسئولیت بین‌المللی است. عدم پاسخگویی مؤثر دولت‌های مذکور، خطر تضعیف بیشتر هنجارهای آمره و ایجاد رویه‌ای خطرناک برای آینده نظم حقوقی بین‌المللی را در پی دارد.

| اقدام | ایالات متحده | بریتانیا | تخلف حقوقی |
|-----------------|--------------------|------------------|----------------------------------|
| همکاری تسلیحاتی | تأمین بمب‌های ۲۰۰۰ | تأمین قطعات F-35 | نقض معاهده تجارت تسلیحات؛ کمک یا |

³⁹ ICJ. (2004). Advisory Opinion on Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory.

⁴⁰ ILC Draft Articles (2001), Commentary to Article 41

⁴¹ Ibid., Article 16.

| | | | |
|--|---------------------------|---------------------------------|--------------------------------|
| مساعدت در اعمال متخلفانه | | پوندی | |
| نقض تعهد به همکاری جمعی | عدم تحریم تسلیحات کامل | وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت | حمایت در نهادهای بین‌المللی |
| نقض تعهد به عدم به رسمیت شناختن وضعیت‌های غیرقانونی | تحریم‌های محدود | عدم تحریم گسترده | واکنش به نقض قواعد آمره |

جدول ۱: خلاصه اقدامات کلیدی ایالات متحده و بریتانیا و پیامدهای حقوق بین‌الملل

۳، ارزیابی مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی

ارزیابی مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی اسرائیل مستلزم بررسی چندین رکن حقوقی در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی و معاهداتی می‌باشد. بر اساس اسناد بین‌المللی از جمله مواد طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، دولت‌های ثالث در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی مسئولیت دارند. این مسئولیت به ویژه هنگامی تشدید می‌شود که این دولت‌ها با علم و آگاهی به وقوع تخلفات بین‌المللی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتکاب این اعمال مشارکت نمایند.^{۴۲}

در چارچوب ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها، تحقق مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت منوط به احراز سه رکن اصلی است: وجود فعل متخلفانه بین‌المللی، آگاهی دولت کمک‌کننده از اوضاع و احوال آن فعل، و ارائه کمک یا مساعدتی که در ارتکاب یا تداوم آن نقش مؤثر داشته باشد. بنابراین، تحلیل مسئولیت دولت‌های حامی اسرائیل در جنگ غزه باید بر مبنای این عناصر انجام شود و صرفاً به توصیف حمایت‌های سیاسی یا نظامی محدود نگردد.

۳-۱، مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت در اعمال متخلفانه

بر اساس ماده ۱۶ از مواد طرح مسئولیت دولت‌ها، ایالات متحده و بریتانیا با علم به نقض‌های مستمر حقوق بین‌الملل توسط اسرائیل، به طور فعال در تسهیل این اعمال مشارکت داشته‌اند. این ماده مقرر می‌دارد: «هر دولتی که با علم از شرایط عمل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر، به ارتکاب آن عمل کمک یا مساعدت نماید، در صورتی مسئول است که آن عمل در صورت ارتکاب توسط آن دولت، متخلفانه محسوب می‌شد.»^{۴۳}

در مورد غزه، شواهد متقنی وجود دارد که نشان می‌دهد هر دو دولت از طریق تأمین تسلیحات پیشرفته، پشتیبانی لجستیکی و حمایت اطلاعاتی، عملیات نظامی اسرائیل را امکان‌پذیر ساخته‌اند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده تأکید کرد که کشورها نباید نقض کنوانسیون‌های ژنو توسط طرفین درگیری را

⁴² International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, Article 16.

⁴³ Ibid

تشویق یا کمک کنند.^{۴۴} رویه قضایی بین‌المللی نشان می‌دهد که «علم» دولت کمک‌کننده به شرایط عمل متخلفانه، عنصر کلیدی در تحقق این نوع مسئولیت است. گزارش‌های متعدد سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری درباره نقض‌های سیستماتیک حقوق بشر در غزه، این «علم» را برای دولت‌های حامی به وجود آورده است.^{۴۵}

۲-۳، نقض تعهد به جلوگیری از نسل‌زدایی

کنوانسیون نسل‌زدایی ۱۹۴۸، که ایالات متحده و بریتانیا هر دو از دولت‌های عضو آن هستند، در ماده ۱ خود تعهدی مثبت برای «جلوگیری» از نسل‌زدایی ایجاد می‌کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو تصریح کرد که این تعهد، تعهدی «به وسیله تمام ابزارهای معقولی که در دسترس دارند» است. دیوان بین‌المللی دادگستری توضیح داد که این تعهد مستلزم انجام اقدامات مؤثر و معقول در صورت آگاهی از خطر جدی وقوع نسل‌زدایی است.^{۴۶}

با توجه به اظهارات مقامات سازمان ملل درباره خطر قریب‌الوقوع قحطی در غزه و تأثیر سیستماتیک عملیات نظامی بر جمعیت غیرنظامی، می‌توان استدلال کرد که شرایط هشداردهنده‌ای از احتمال وقوع نسل‌زدایی وجود دارد. در چنین شرایطی، ادامه همکاری نظامی و تسلیحاتی با اسرائیل توسط ایالات متحده و بریتانیا، نه تنها نقض تعهد به جلوگیری است، بلکه می‌تواند به عنوان معاونت در ارتکاب این جرم بین‌المللی تلقی شود.^{۴۷}

۳-۳، مسئولیت ناشی از کنترل کلی

بر اساس معیارهای حقوق بین‌الملل عرفی، به ویژه در نظریه «کنترل کلی» که در قضیه «تادیچ» دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق توسعه یافت، ممکن است استدلال شود که ایالات متحده و بریتانیا به دلیل سطح درگیری و حمایتشان از عملیات نظامی اسرائیل، در موقعیت «کنترل کلی» بر این عملیات قرار دارند. دیوان در این قضیه اعلام کرد که وقتی یک دولت «نقش تعیین‌کننده‌ای» در برنامه‌ریزی و نظارت بر عملیات نظامی داشته باشد، می‌توان اعمال نیروهای تحت کنترل را به آن دولت منتسب کرد.^{۴۸}

اگرچه اسرائیل یک دولت مستقل است، اما وابستگی شدید آن به حمایت نظامی، مالی و اطلاعاتی ایالات متحده - از جمله تأمین حدود ۶۸ درصد از واردات تسلیحاتی آن - و هماهنگی نزدیک استراتژیک بین این دو کشور، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا واشنگتن (و تا حدی لندن) از چنان نفوذ و کنترلی برخوردارند که مسئولیت اعمال متخلفانه

⁴⁴ ICJ, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986

⁴⁵ UN Human Rights Council, Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel, 2024

⁴⁶ ICJ, Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, I.C.J. Reports 2007

⁴⁷ UN Special Adviser on the Prevention of Genocide, Statement on the Situation in Gaza, 2024

⁴⁸ ICTY, Prosecutor v. Duško Tadić, Appeals Chamber Judgment, IT-94-1-A, 1999

ناشی از این عملیات مشترک را بر عهده گیرند. این نظریه به ویژه در مورد هدف‌گیری‌های خاصی که احتمالاً با اطلاعات یا فناوری ارائه شده توسط متحدان صورت گرفته، قابل اعمال است.^{۴۹}

۳-۴، مسئولیت ناشی از نقض تعهد به همکاری جمعی

منشور ملل متحد در ماده ۱ تمام اعضا را متعهد به «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» کرده است. این تعهد، یک تعهد جمعی و قواعد آمره محسوب می‌شود. شورای امنیت نیز در قطعنامه ۲۷۲۸ (۲۰۲۴) بر لزوم «آتش‌بس فوری و بی‌قید و شرط» تأکید کرده است. ادامه همکاری‌های نظامی با اسرائیل توسط ایالات متحده و بریتانیا، نه تنها این قطعنامه را نقض می‌کند، بلکه تعهد بنیادین آنان به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را نیز زیر پا می‌گذارد.^{۵۰} علاوه بر این، ماده ۴۱ طرح مسئولیت دولت‌ها، دولت‌ها را موظف می‌کند که به طور جمعی برای خاتمه دادن به هر نقض جدی یک تعهد ناشی از قواعد آمره اقدام کنند. با مسدود کردن اقدامات شورای امنیت (از طریق وتو) و ادامه حمایت از اسرائیل، این دو دولت عملاً مانع از اجرای این تعهد جمعی شده و خود مرتکب نقض مستقلی از حقوق بین‌الملل شده‌اند. این رفتار مغایر با روح همکاری جمعی است که سنگ بنای نظام حقوقی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم را تشکیل می‌دهد.^{۵۱}

ارزیابی حاضر نشان می‌دهد که مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده و بریتانیا در قبال جنگ غزه، چندوجهی و مستحکم است. این مسئولیت نه تنها بر اساس قواعد ثانویه (مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت) بلکه ناشی از نقض تعهدات اولیه مستقل آنان (تعهد به جلوگیری از نسل‌زدایی و تعهد به همکاری جمعی) نیز می‌باشد. رویه قضایی بین‌المللی و اصول کلی حقوقی، پشتوانه محکمی برای این ادعا فراهم می‌آورند. بی‌عملی در قبال این مسئولیت‌ها، نه تنها عدالت برای قربانیان فلسطینی را به تأخیر می‌اندازد، بلکه خود نظام حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی را تضعیف می‌کند.

۴، راهکارهای پیش رو برای اجرای مسئولیت بین‌المللی

اجرای مؤثر مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی اسرائیل مستلزم به کارگیری مجموعه‌ای از مکانیسم‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی در چارچوب نظام چندجانبه بین‌المللی است. با توجه به تداوم نقض‌های گسترده حقوق بین‌الملل در غزه، جامعه بین‌المللی موظف است تا با استفاده از تمام ابزارهای قانونی موجود، زمینه اجرای تعهدات بین‌المللی دولت‌ها را فراهم نماید. این راهکارها باید مبتنی بر اسناد بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد،

⁴⁹ Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), Arms Transfers Database, 2024

⁵⁰ UN Security Council Resolution 2728 (2024)

⁵¹ International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, Article 41

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و سایر اسناد حقوق بشری باشد. بر اساس گزارش ویژه گزارشگر سازمان ملل در زمینه تأمین تسلیحات (۲۰۲۴)، ضرورت اتخاذ اقدامات فوری و قاطع در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود.^{۵۲}

۴-۱، تحریم تسلیحاتی کامل

تحریم تسلیحاتی کامل علیه اسرائیل به عنوان یکی از راهکارهای فوری و مؤثر در راستای جلوگیری از ادامه نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود. شورای حقوق بشر سازمان ملل در قطعنامه ۱/۵ خود بر لزوم توقف فوری تمامی انتقالات تسلیحاتی به اسرائیل تأکید کرده است. این اقدام نه تنها یک تعهد اخلاقی، بلکه تعهدی حقوقی مبتنی بر معاهده تجارت تسلیحات (۲۰۱۴) و کنوانسیون‌های ژنو است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظریه مشورتی خود مربوط به دیوار حائل (۲۰۰۴) بر لزوم عدم ارائه کمک یا مساعدت به حفظ وضعیت غیرقانونی تأکید نموده است. گزارش ویژه گزارشگر سازمان ملل در زمینه تأمین تسلیحات (۲۰۲۴) به صراحت بیان می‌کند که ادامه انتقال تسلیحاتی که در نقض قواعد آمره به کار می‌روند، خود نقض تعهدات بین‌المللی محسوب می‌شود.^{۵۳} این تحریم می‌بایست شامل کلیه انواع تسلیحات از جمله جنگنده‌های پیشرفته، بمب‌های هدایت شونده، سیستم‌های دفاع هوایی و همچنین قطعات یدکی و خدمات فنی مربوطه باشد.

۴-۲، تحریم‌های اقتصادی هدفمند

اعمال تحریم‌های اقتصادی هدفمند علیه مقامات و نهادهای اسرائیلی درگیر در نقض حقوق بین‌الملل، می‌تواند به عنوان یک ابزار بازدارنده مؤثر عمل کند. این تحریم‌ها باید فراتر از شهرک سازان فردی باشد و مقامات بلندپایه اسرائیلی که در تصمیم‌گیری برای عملیات نظامی نقش دارند را نیز در بر گیرد. مطابق مطالعه منتشر شده در مجله حقوق بین‌الملل دانشگاه کمبریج (۲۰۲۴)، تحریم‌های هدفمند می‌توانند بدون آسیب به غیرنظامیان، اثر بازدارندگی ایجاد کنند.^{۵۴} این تحریم‌ها می‌تواند شامل مسدودسازی دارایی‌های شخصی، ممنوعیت سفر، تحریم مؤسسات مالی مرتبط با تأمین مالی عملیات نظامی و محدودیت در معاملات اقتصادی با شرکت‌های فعال در بخش امنیتی-نظامی باشد. تجربه تحریم‌های هدفمند در سایر بحران‌های بین‌المللی نشان داده است که این ابزار می‌تواند بدون آسیب رساندن به غیرنظامیان، فشار لازم برای تغییر رفتار را ایجاد نماید.

۴-۳، پیگرد قضایی بین‌المللی

حمایت از روندهای قضایی در دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی نقش حیاتی در تعیین مسئولیت حقوقی هم برای اسرائیل و هم برای حامیان بین‌المللی آن ایفا می‌کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قرار

⁵² UN Special Rapporteur on Arms Transfers (2024). Report on Arms Embargo Necessity.

⁵³ Ibid

⁵⁴ Cambridge International Law Journal (2024). "Targeted Sanctions in International Law"

اخیر خود (۲۰۲۴) بر صلاحیت خود در بررسی تخلفات تأکید کرده است.^{۵۵} همچنین، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در گزارش سالانه ۲۰۲۴ بر تعقیب قضایی تمام طرفین درگیری تأکید نموده است.^{۵۶} دیوان کیفری بین‌المللی با استفاده از صلاحیت خود بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه رم، می‌تواند پرونده‌های مربوط به جنایات بین‌المللی در سرزمین‌های فلسطینی را مورد رسیدگی قرار دهد. همچنین، استفاده از صلاحیت قضایی جهانی توسط دادگاه‌های ملی کشورها می‌تواند مکمل این روند باشد. این اقدامات قضایی می‌تواند شامل بررسی موارد جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و همچنین مسئولیت کیفری مقامات بلندپایه باشد.

۴-۴، به رسمیت شناختن دولت فلسطین

به رسمیت شناختن دولت فلسطین اگرچه به خودی خود قادر به توقف نقض‌ها نیست، اما می‌تواند حق حاکمیت فلسطین را تقویت کند و زمینه را برای اقدامات جمعی بعدی در چارچوب ماده ۵۱ منشور ملل متحد فراهم کند. مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۲۵/۷۷ (۲۰۲۳) بر حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین تأکید مجدد کرده است.^{۵۷} همچنین، نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (۲۰۰۴) مبنی بر حقوق مردم فلسطین همچنان معتبر است. این اقدام از نظر حقوق بین‌الملل مبتنی بر اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها بوده و می‌تواند موقعیت فلسطین در نهادهای بین‌المللی را تقویت نماید. به رسمیت شناختن دولت فلسطین می‌تواند راه را برای عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل متحد و سایر نهادهای تخصصی بین‌المللی هموار کند و موقعیت این کشور را در مذاکرات بین‌المللی تقویت نماید.

نتیجه‌گیری

بررسی جامع اسناد بین‌المللی و رویه قضایی دیوان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که نقش ایالات متحده و بریتانیا در جنگ غزه از منظر حقوق بین‌الملل، نقشی فراتر از حمایت سیاسی ساده است. این دولت‌ها از طریق تأمین تسلیحات حیاتی، مسدود کردن اقدامات در نهادهای بین‌المللی و عدم اجرای تعهدات خود مبنی بر عدم کمک به حفظ وضعیت غیرقانونی، به طور فعال در نقض‌های مستمر حقوق بین‌الملل مشارکت دارند. بر اساس اسناد معتبر از جمله گزارش‌های سازمان ملل متحد و تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری، این اقدامات مسئولیت بین‌المللی مستقیم آنان را بر اساس قواعد عرفی مسئولیت دولت و معاهدات بین‌المللی مانند معاهده تجارت تسلیحات و کنوانسیون نسل‌زدایی به دنبال دارد.

یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی بر سه پایه استوار است: نخست، مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت در اعمال متخلفانه مطابق ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها؛ دوم، نقض تعهد به

⁵⁵ ICJ (2024). Order on Provisional Measures in Palestine v. Israel.

⁵⁶ ICC Prosecutor (2024). Annual Report on Preliminary Examinations.

⁵⁷ UN General Assembly (2023). Resolution /RES/77/25.

جلوگیری از نسل‌زدایی بر اساس کنوانسیون ۱۹۴۸؛ و سوم، مسئولیت ناشی از کنترل مشترک بر عملیات نظامی. این سه رکن حقوقی به وضوح در اقدامات ایالات متحده و بریتانیا در قبال اسرائیل متجلی شده است. چشم‌پوشی از این مسئولیت نه تنها به تداوم رنج غیرنظامیان فلسطینی می‌انجامد، بلکه خود بنیان‌های نظم حقوقی بین‌المللی را که پس از جنگ جهانی دوم برای جلوگیری از تکرار فجایع انسانی ایجاد شده است، تضعیف می‌کند. تداوم وضعیت حاضر موجب فرسایش اعتماد به نظام چندجانبه‌گرایی و تضعیف حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی می‌شود.

برای احیای حاکمیت قانون، جامعه بین‌المللی و به ویژه دولت‌های طرفدار حقوق بشر باید با اتخاذ اقدامات قاطع‌تر از جمله تحریم تسلیحاتی کامل، تحریم‌های اقتصادی هدفمند و پیگرد قضایی بین‌المللی، بر اجرای مسئولیت بین‌المللی پای فشارند. این اقدامات می‌بایست در چارچوب نهادهای بین‌المللی و با استفاده از مکانیسم‌های موجود در منشور ملل متحد پیگیری شود. تنها از این طریق می‌توان امید داشت که حقوق قربانیان فلسطینی احیا شده و از تکرار چنین فجایعی در آینده جلوگیری شود.

این پژوهش نشان می‌دهد که تحقق عدالت بین‌المللی مستلزم عزم جدی جامعه بین‌المللی برای به کارگیری تمام ابزارهای حقوقی موجود است. ادامه وضعیت فعلی نه تنها موجب تداوم بحران انسانی در غزه خواهد شد، بلکه مشروعیت کلیه نهادهای بین‌المللی را با چالش جدی مواجه خواهد کرد.

منابع

منابع فارسی

۱. ابراهیمی ارمی، ک.، نژندی منش، ه.، و محبی، م. (۱۴۰۴). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی از طریق انتقال تسلیحات با توجه به معاهده تجارت اسلحه. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۵(۱)، ۳۰۳-۳۲۸.
۲. فتاحی الکوھی، محمد؛ رئیس، لیلیا؛ راعی، مسعود (۱۳۹۹). مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از تجارت تسلیحات با گروه‌های شورشی و شبه نظامی. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره چهارم، صص ۲۸۳۰-۲۸۳۷.
۳. لامع، ا.، امینی‌نیا، ع.، و افشاری، م. (۱۴۰۳). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کاربرد هوش مصنوعی در جنگ‌افزارها با تأکید بر نقض حقوق جنگ در غزه. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۸(۴)، ۲۰۵-۲۲۴.
۴. نجفی اسفاد، م.، و جلالیان، ع. (۱۳۹۱). ضرورت تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه. فصلنامه راهبرد، ۲۱(۶۲)، ۲۰۵-۲۲۱.

منابع انگلیسی

1. Amnesty International. (2024). Arms Transfers and International Responsibility.
2. Amnesty International. (2024). Israel and the Occupied Palestinian Territories: Annual Human Rights Report.
3. Arms Trade Treaty. (2014).
4. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v Spain). Judgment. I.C.J. Reports 1970.
5. Cambridge International Law Journal. (2024). Targeted Sanctions in International Law.
6. Crawford, J. (2013). State Responsibility: The General Part (2nd ed.). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9781139154367>
7. Human Rights Watch. (2024). UK Complicity in International Law Violations.
8. International Court of Justice (ICJ). (2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion).

9. International Court of Justice (ICJ). (2007). Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro). Judgment.
10. International Court of Justice (ICJ). (2024). Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel): Order of 26 January 2024.
11. International Criminal Court (ICC). (2024). Statement of ICC Prosecutor Karim A. A. Khan KC: Applications for Warrants of Arrest in the Situation in the State of Palestine.
12. International Criminal Court (ICC). (2024). Annual Report on Preliminary Examinations.
13. International Law Commission. (2001). Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts.
14. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America). Merits, Judgment. I.C.J. Reports 1986.
15. Prosecutor v Duško Tadić. Appeals Chamber Judgment, IT-94-1-A (1999).
16. SIPRI. (2024). SIPRI Yearbook 2024: Armaments, Disarmament and International Security.
17. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI). (2024). SIPRI Arms Transfers Database.
18. UK Parliament. (2024). UK Policy on Israel-Palestine. Research Briefing.
19. United Nations. (1945). Charter of the United Nations.
20. United Nations General Assembly. (2023). Resolution A/RES/77/25.
21. United Nations High Commissioner for Human Rights. (2024). Report on Arms Exports to Conflict Zones.
22. United Nations Human Rights Council. (2024). Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in the Palestinian Territories Occupied Since 1967.
23. United Nations Human Rights Council. (2024). Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem, and Israel.
24. United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA). (2024). Humanitarian Impact Situation Report on Gaza.
25. United Nations Security Council. (2024). Resolution 2728.
26. United Nations Security Council. (2023–2024). Voting Records on Gaza Resolutions.
27. United Nations Special Adviser on the Prevention of Genocide. (2024). Statement on the Situation in Gaza.
28. United Nations Special Rapporteur on Arms Transfers. (2024). Report on the Necessity of an Arms Embargo.
29. United Nations Special Rapporteur on the Right to Food. (2024). Report on the Situation of Famine in Gaza.